



مهربانی نامه‌ی

مهدیار دوست دارد وقتی بزرگ شد، معلّم بشود؛ درست مثل آقا معلّمشان. این نامه را مهدیار و دوستانش به مناسبت روز معلّم نوشتند و به آقا معلّمشان هدیه دادند.

«آقا معلّم عزیزم، یک بار که امتحانم را خوب نداده بودم، خیلی غصّه می خوردم. ولی شما اشکالاتم را با حوصله برطرف کردید و من امتحان بعدی ام را خیلی بهتر دادم. می دانم شما خیلی به فکر آینده‌ی ما بچه‌ها هستید.»

«شما حتّی وقتی خیلی خسته‌اید، لبخند به لب دارید و صورتتان شاد و خوش حال است. من این ویژگی خوب شما را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم.»

«معلّم مهربانم، یک روز شما ناراحت و بد حال بودید.

من پرسش کلاسی ام را خوب جواب ندادم. شما از

دست من ناراحت شدید. فردای آن روز، من را صدازدید

و شرایط خودتان را توضیح دادید و از من دل جویی کردید. من

از این همه مهربانی شما یاد گرفتم که می‌شود گاهی اوقات از افراد

کوچک‌تر از خودم هم عذرخواهی کنم.»

«همه‌ی بچه‌های کلاس می‌دانند شما خیلی دوستشان دارید. ما قدر زحمات‌های

شما را می‌دانیم.»

- نفیسه نجفی قدسی
- تصویرگر: راضیه فلاحیان